

A Reflection on the Monotheistic Lifestyle Based on the Semantics of the Word "Ayeh" in the Holy Quran

Mahdi Nouriafshan^{*}, Hamed Fotovat Ahmadi^{}**

Abstract

Living a monotheistic lifestyle based on belief in the oneness of God and the resurrection, and behaving according to such a belief, is the same as stepping on the straight path and a principle for God-centered human beings. One of the key words for understanding this way of life is "ayeh". The semantic study of this word shows that the main meaning of the verse in the Qur'an is "sign and symbol" which includes examples such as idiomatic verses of the Qur'an and horizon and soul verses. Also, we come to the conclusion that in order to lead to a monotheistic lifestyle, we must follow a path that results in the elaboration of "faith and righteous deeds". Examining the word verse in the Holy Qur'an shows that the straight path is not only worship, just as the divine and monotheistic sciences are not limited to the Qur'anic, interpretive and narrative sciences. In addition to the idiomatic verses, it is equally necessary to pay attention to the horizon and soul verses; it is our duty to discover the laws and traditions of the phenomena in order to respect the Qur'an and walk in the straight path.

Keywords: ayeh, lifestyle, monotheism, straight path, science.

^{*} Ph.D. in Qur'an and Hadith Sciences, Instructor and Member of the academic faculty of Imam Sadiq University, (corresponding author), nouriafshan@isu.ac.ir

^{**} Master's student of Quranic Studies, Institute of Human Sciences and Cultural Studies, hamed.fotovat@gmail.com

Date received: 2022/06/15, Date of acceptance: 2022/09/06



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تأملی در سبک زندگی توحیدی برپایه معنائشناسی واژه «آیه» در قرآن کریم

مهدی نوری افشان*

حامد فتوت احمدی**

چکیده

زیستن به سبک زندگی توحیدی که اساس آن ایمان به یگانگی خداوند و معاد باشد و رفتارهایی بر مبنای چنین باوری صورت پذیرد، همان قدم نهادن در صراط مستقیم و یک اصل برای انسان‌های خدامحور است. یکی از کلیدواژه‌های فهم این سبک از زندگی در قرآن واژه «آیه/آیات» است. مطالعه معنائشناختی این واژه با رویکرد معنائشناسی ساختگرا و با بهره‌گیری از روابط هم‌نشینی و جانشینی نشان می‌دهد که معنای اصلی آیه در قرآن «نشانه و علامت» است که مصادیقی چون آیات اصطلاحی قرآن و آیات آفاقی و انفسی را دربر می‌گیرد. همچنین با درکنارهم قراردادن این آیات، به این نتیجه می‌رسیم که برای راهیابی به یک سبک زندگی توحیدی، باید مسیری شش مرحله‌ای را طی کنیم که حاصلش تفصیل «ایمان و عمل صالح» مورد تأکید قرآن است. بررسی واژه آیه در قرآن کریم نشان می‌دهد که صراط مستقیم تنها عبادت نیست، همچنانکه علوم الهی و توحیدی منحصر در علوم قرآنی، تفسیری و روایی نیست. بر این اساس علاوه بر آیات اصطلاحی، توجه به آیات آفاقی و انفسی نیز به همان اندازه

* دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، مربی آموزشی و عضو هیئت علمی مرکز زبان دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)، nouriafshan@isu.ac.ir
** دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، hamed.fotovat@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

ضروری است؛ بنابراین وظیفه ماست که قوانین و سنتهای پدیده‌ها را کشف کنیم تا بدین وسیله به اوامر قرآن ارج نهیم و علاوه بر شکر نعمات الهی، در صراط مستقیم گام برداریم.

کلیدواژه‌ها: آیه، سبک زندگی، توحید، صراط مستقیم، علم

۱. مقدمه

خداوند و رسولش در قرآن به بندگی و صراط مستقیم دعوت و هدایت می‌کنند^۱، همان‌گونه که خود نیز بر صراط مستقیم هستند.^۲ صراط مستقیم بر این اساس همان راه خداست.^۳ مسلمانان نیز بنابر آنچه خداوند بر آنان تکلیف کرده است، روزانه بارها در نماز و سوره حمد از او هدایت به سوی صراط مستقیم را تمنا می‌کنند. باید توجه داشت که قرارگرفتن و حرکت در یک مسیر، مستلزم آن است که اولاً آن را بشناسیم و ثانیاً در آن گام نهیم. به همین ترتیب، هدایت و حرکت در صراط مستقیم در وهله اول جنبه اعتقادی و درونی دارد؛ اعتقاد به اینکه این دنیا دارای صاحب و مالکی یگانه است. خداوندی که هم پدید می‌آورد و هم تربیت می‌کند؛ هم خالق است و هم ربّ. و باور به اینکه از پس زندگی در این دنیا، حیات آخری هم وجود دارد. این اعتقاد و باور البته باید توأم با رفتار و بروز و ظهور بیرونی باشد. اعمالی که هم صدق باورهای درونی را آشکار سازند و هم بستری برای تعالی و رشد و کمال انسان فراهم آورند.

اعتقاد و عملی مبنی بر آموزه‌های قرآن که منجر به راه‌یافتن و حرکت در صراط مستقیم شود، یک سبک خاص از زندگی را شکل می‌دهد که ما آن را «سبک زندگی توحیدی» می‌خوانیم. مقصود ما از «توحید» در این عبارت، صرفاً مسائل مربوط به خداشناسی و وحدانیتش نیست، بلکه به معنای تک‌محوربودن زندگی هم‌راستا با محور کائنات است.^۴ با این تعریف، اگر زندگی دارای تنها یک محور (و نه بیشتر) باشد که آن هم حول خدا باوری می‌چرخد، مسیرش هم یکی خواهد شد که همانا مسیر درست یا صراط مستقیم خواهد بود. سبک زندگی توحیدی تمام شئون زندگی انسان را در برمی‌گیرد و دامنه آن فراتر از عبادات، برای کار و زندگی انسان در همه ابعاد، گسترده است. نتیجه آن نیز سعادت، موفقیت و آرامش در دنیا و آخرت به همراه یک زندگی سرشار از توانگری و معنویت است. طبق انتظار ما، خداوند برای هدایت انسان به این سبک از زندگی و یافتن صراط مستقیم در شرایط مختلف نشانه‌های روشنی را در قرآن - به مثابه نقشه راه - قرار داده است. قرآن گاهی درون خود به این

نشانه‌ها پرداخته است و گاهی به نشانه‌هایی در بیرون از خود اشاره و تأکید کرده است. مسلمانان باید براساس آدرس‌های قرآن، به تمام نشانه‌ها - اعم از درون قرآن یا بیرون از آن - توجه کنند و با تدبر و تحقیق در آنها، راه درست زندگی را بیابند و با این کار از خداوند به خاطر قرارداد این نشانه‌ها شکرگزاری نمایند. توجه به نشانه‌ها و آیات خداوند در هستی تنها در قرآن مورد تأکید قرار نگرفته است، بلکه در فطرت انسانها نهاده شده و نشانه عقلانیت است و این عقلانیت البته مختص خدا باوران نیست؛ هر که و با هر اعتقاد و باوری به طبیعت، به آسمانها و زمین، به جوامع انسانی و هر آنچه در این دنیاست بنگرد، در مسیر فهم قوانین موجود در آفریده‌های خداوند قرار گرفته است. باید اذعان داشت که برخی موحدان - از جمله مسلمانان - نسبت به این مسئله بنیادی دچار غفلت شده‌اند؛ به این معنا که نسبت به قول خداوند (قرآن کریم) اهتمام دارند و در فهم و به‌کار بستن اوامر آن می‌کوشند، اما به فعل خداوند (جهان هستی) کم توجه‌اند و به بررسی قوانین و سنتهای موجود در آن نمی‌پردازند، بلکه عده‌ای علوم تجربی و به ویژه علوم انسانی به‌دست‌آمده از این طریق را غیردینی و غیرالهی می‌دانند. این عده تصور می‌کنند که در صراط مستقیم بودن، علاوه بر اعتقاد به وحدانیت خداوند، تنها در انجام مناسک و عبادات خلاصه شده و در باقی شؤون زندگی به دنبال آن نیستند. از نگاه اینان عمل صالح یعنی مواردی همچون نماز و روزه و حج و انفاق، و هر عملی جز اینها اصلاً دینی و الهی نیست. درحالی که اگر در راه رسیدن به رزق و روزی‌شان تلاش کنند، اگر به مسائل مربوط به محیط زیست بپردازند، اگر انواع بیماری‌ها را بیشتر بشناسند و در پی کشف داروی آنها باشند، اگر نظام اقتصادی جامعه را براساس قوانین درست، اصلاح کنند و بسیاری دیگر از این دست، همه و همه توجه به آیات و نشانه‌های خداوند در دنیاست و همه اعمالی صالح و دینی‌اند که می‌توانند به ما در رسیدن به یک سبک زندگی توحیدی کمک کنند، به شرط آنکه ایمان و باور به خداوند نیز وجود داشته باشد. در اینصورت امید آن است که مصداق این آیه کریمه شوند: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً).^۶ این همان دغدغه‌ایست که موجب نگارش این مقاله شده است، ضرورتی که هم با عقلانیت قابل توجیه است، و هم در قرآن کریم می‌توان به آن رسید.

با بررسی قرآن کریم، ارتباط وثیق میان مفهوم سبک زندگی توحیدی و کلیدواژه «آیه» هویدا می‌شود. بنابراین چنانچه حوزه معنایی «آیه» در قرآن کریم مورد مذاقه قرار گیرد، مسیر تبیین این مفهوم، که از مفاهیم بنیادین در قرآن به حساب می‌آید، آشکار می‌شود. برای درک دقیق معنای «آیه» باید به شکلی علمی در مورد آن مطالعه صورت پذیرد و این همان است که با

اصطلاح «معناشناسی» (Semantics) در عصر حاضر مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است. معناشناسی بخشی از دانش «نشانه‌شناسی» (Semiotics) است که برای نخستین بار از سوی فردیناند دوسوسور (Ferdinand de Saussure) معرفی شد، و نشانه‌شناسی دانش درک معناست که معنای زبانی، بخشی کوچک از آن را شامل می‌شود (صفوی، ۱۳۷۹، صص ۳۴ و ۳۵). در تعریف معناشناسی باید گفت: معناشناسی مطالعه علمی معناست. در این تعریف، مطالعه علمی مطالعه‌ای است که اولاً بدون پیش‌انگاشته‌های پژوهشگر صورت پذیرد و ثانیاً به شکل صریح گزارش شود تا بتوان صحت و سقم نتیجه آن مطالعه را راستی‌آزمایی کرد (صفوی، ۱۳۸۶، صص ۱۴ و ۱۵). به تعبیر دیگر معناشناسی مانند هر دانش دیگر، قواعد و ضوابطی را به دست می‌دهد که به کمک آنها درمی‌یابیم معنا را در هریک از سطوح واژه‌ها، عبارات، جملات و متون چگونه تعیین کنیم (قائم‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۱۴). در تعریف دیگری می‌توان گفت: «معناشناسی به پیدایش معنا و مسیر پیشرفت و دگرگونی‌های آن می‌پردازد و روابط معنایی بین مفاهیم مختلف را شناسایی و شبکه‌ای از معانی مرتبط با هم را استخراج می‌کند» (پالمر، ۱۳۷۴، ص ۲۵).^۷

بسیاری از زبان‌شناسان در مورد ساختار زبان از واژه «نظام» (system) و در پی آن از «معناشناسی ساختگرا» (structural semantics) استفاده می‌کنند (رک: گندمکار، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵ و رهنما، ۱۳۸۲). شالوده نگرش ساختگرا به زبان، بر این پایه استوار است که هر زبان در نوع خود، ساختی رابطه‌ای یا نظامی است که ماهیت وجودی هر واحدش، در رابطه سلبی با دیگر واحدهای هم‌لایه‌اش قابل تعیین است. به عبارت دقیق‌تر، زبان را باید همچون نظامی در نظر گرفت که واحدهایش در رابطه دوجانبه با یکدیگرند (رویبنز، ۱۳۷۰، ص ۴۱۹). در این نگرش جمع میان اصطلاحات و واژگان در یک نظام معنایی حاصل اتفاق و تصادف نیست، بلکه کلمات از جهات گوناگون با یکدیگر ارتباط دارند. با بررسی نظام معنایی زبان در متون زبان‌شناسی، به مفاهیمی چون «هم‌نشینی»، «جان‌نشینی»، «تقابل»، «مؤلفه‌های معنایی»، «بافت یا سیاق»، «حوزه‌های معنایی» و «میدان‌های معناشناختی» برخورد می‌کنیم که هریک به گونه‌ای در روشهای معناشناسی مؤثرند. برای نمونه «میدان‌های معناشناختی» حاصل پیوستگی‌ها و ارتباطات گوناگون کلمات در بخش‌های زبان هستند (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۲۵) و «مؤلفه‌های معنایی برخی کلمات، دارای اشتراک در مفهوم‌اند، به نحوی که می‌توان آنها را در یک «حوزه معنایی» قرار داد» (صفوی، ۱۳۸۶، ص ۹۸).

بیان این نکات به این معنا نیست که مسلمانان، از لغویون و نحویون تا مفسران و قرآن‌پژوهان، از صدر اسلام تا کنون تلاش‌های درخوری در این زمینه انجام نداده‌اند. ثبت

معانی غریب در قرآن، سخن در باب مجاز قرآن، نگارش کتاب در باب وجوه و نظائر در قرآن و پیدایش فرهنگ‌های موضوعی و فرهنگ واژگان، از مباحث معناشناسی و از نخستین آثار مسلمانان به شمار می‌آید^۱ (مختار عمر، ۱۳۸۵، ص ۲۷). بر این اساس باید گفت در کنار استفاده از منابع اصیل اسلامی، بهره‌بردن از روشهای نوین معناشناسی می‌تواند اصلاح‌کننده و تکمیل‌کننده روشهای تفسیری مسلمانان باشد (لسانی فشارکی و اکبری‌راد، ۱۳۸۶، ص ۶۴).

به طور قطع نوع و زاویه نگاه ما به قرآن و مفاهیم درون آن در گزینش واژگان کلیدی مؤثر است. البته این جدا از برخی واژگان و اصطلاحاتی است که در هر حال و با هر نگاهی جزء لاینفک واژگان و اصطلاحات کلیدی قرآن خواهند بود. برای نمونه اصطلاحات کلیدی حاصل از نگرش اجتماعی-فرهنگی به قرآن، احتمالاً با کلماتی که از نگاه فلسفی یا فردی-روانشناسی به قرآن به دست می‌آیند متفاوت خواهد بود. به زعم ما برای به دست آوردن نوعی از سبک زندگی توحیدی در قرآن، واژه «آیه/آیات» جزء اصطلاحات کلیدی یا حتی کلمه کانونی در این زمینه به حساب می‌آید.

در پایان باید گفت برای به‌کارگیری معناشناسی در قرآن باید فرایندی چهارمرحله‌ای طی شود تا نتیجه‌ای مطلوب حاصل شود:

الف) انتخاب موضوع و کلمه کانونی و واژگان کلیدی به همراه بررسی لغوی واژگان

ب) جمع‌آوری آیات مرتبط و بررسی ساختارها و سیاق‌های آنها

ج) تعیین میدان معناشناختی و معناشناسی واژگان از طریق مؤلفه‌هایی چون روابط هم‌نشینی

و جان‌نشینی و تقابل

د) تحلیل و دسته‌بندی موارد فوق و رسیدن به نتیجه نهایی

۲. پیشینه پژوهش

در مورد موضوع سبک زندگی توحیدی و قرآنی کتب و مقالاتی وجود دارد، اما هیچ‌کدام از منظر معناشناسی مفاهیم قرآنی به آن نپرداخته‌اند، به علاوه نگاهی کاربردی و عملی در آنها دیده نمی‌شود و بیشتر به جنبه‌های اعتقادی و ایدئولوژی اشاره داشته‌اند؛ از جمله مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌ها و امتیازات سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن و حدیث» از آقایان محمدباقر محمدی لایینی و سیدحسین حسینی کارنامی که در شماره دوم سال ۱۳۹۳ در مجله الاهیات قرآنی به چاپ رسیده است. در سوی دیگر مقالاتی در زمینه کاربرد معناشناسی در پژوهش‌های

قرآنی به چاپ رسیده است که جنبه عمومی دارند. همچنین مقالاتی وجود دارند که برخی مفاهیم قرآنی را به روش معناشناسی مورد مطالعه قرار داده‌اند، از جمله مقاله‌ای که به واژه مد نظر ما در این مقاله یعنی «آیه» پرداخته است. عنوان این مقاله «نگاهی نشانه‌شناختی به واژه آیه در قرآن کریم» است که توسط خانم‌ها آرزو نجفیان، حیات عامری و صدیقه قیومی به رشته تحریر در آمده است و در شماره دهم مجله نقد ادبی در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است. اما منبعی در زمینه سبک زندگی توحیدی با رویکردی معناشناسانه به واژه «آیه» یافت نشد.

۳. ریشه‌شناسی «آیه»

بسیاری از لغت‌شناسان در پی آن بودند که برای واژه «آیه» یک ریشه ثلاثی در عربی بیابند، اما در عمل دچار پراکندگی عجیبی شده‌اند؛ «أی»، «أوی»، «أوی»، «أوی» و «وای» ریشه‌های پیشنهادی آنان در مورد آیه است (رک: ابن درید، ۱۹۸۸م، ۲۵۰/۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱۶۸/۱ و ۱۶۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۶۱/۱۴-۶۳؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ۲۲۷۵/۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱۰۱-۱۰۳؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۴۴۱/۸؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۳۲۲/۴). این اختلاف نظر در مورد وزن «آیه» نیز وجود دارد. برخی وزن «فَعْلَة» را برگزیدند، عده‌ای «فاعلة» را وزن درست آن می‌دانند و جمعی به وزن «فَعْلَة» اشاره دارند (رک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۶۱/۱۴-۶۳؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ۲۲۷۵/۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۴۴۱/۸؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۷۹/۱۹).

در قرآن کریم ۸۶ بار واژه آیه به شکل مفرد (آیه، الآیه و آیتک)، یک‌بار در قالب مثنی (آیتین) و ۲۹۵ بار به صورت جمع (آیات، الآیات، آیاتنا، آیاته، آیاتی، آیتک و آیاتها) به کار رفته است که روی هم به عدد ۳۸۲ می‌رسد (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ۱۰۳-۱۰۸). در لغت‌نامه‌ها برای آیه معانی «نشان و علامت، عبرت، معجزه، قصد، امر عجیب، کلام مفید، رسالت، امارت و بناء بلند، شخص، راهنما و جماعتی از مردم» ذکر شده است (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ۵۹۴/۱۰ و ۵۹۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱۶۸/۱ و ۱۶۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۶۱/۱۴-۶۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱۰۱-۱۰۳؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ۴۷۲/۱۰؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ۳۹/۱ و ۴۰؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۷۹/۱۹)، اما باید دید در قرآن معنای اصلی آن کدام است.

از نگاه بعضی از زبان‌شناسان، آیه از واژه‌های بسیار کهن سامی است. در فنیقی؛ AT، در آرامی کتاب مقدس؛ AT، در آرامی؛ ĀTĀ، در عبری؛ ŌT، در سریانی؛ ĀTĀ و جمع آن؛ ŌTŌT و حتی در مندایی OTĀ آمده است (مشکور، ۱۳۵۷، ۴۹/۱ و آذرتاش آذرنوش، ۱۳۹۹ش).

تحول معنایی آیه در تمامی لغت‌ها -از جمله عربی- چنین است که نخست بر نشانه‌های مادی و ملموس اطلاق شد، سپس بر پدیده‌های طبیعی و آثاری که بر قدرت خداوند دلالت دارد (همان). بنابراین باید اذعان داشت که استعمال این واژه در عصر جاهلی کاملاً شایع بوده است. از سویی، زبان‌شناسانی هستند که برای «آیه» ریشه عربی قائل نیستند؛ آرتور جفری معتقد است این واژه از طریق مسیحیان سریانی‌زبان به عرب‌ها رسیده است (جفری، ۱۳۸۶ش، ص ۱۳۴). براساس باور وی «آیه» از کلمه «ĀTĀ» در سریانی به عربی منتقل شده است که علاوه بر کاربرد لفظ «آیه» در عبری به معنای اشاره کردن یا نشانه گذاشتن، در معنای دلیل و برهان و شاهد و سند هم به کار می‌رود که در نتیجه بیشتر از همتای خود در عبری به کاربرد قرآنی «آیه» نزدیک می‌شود (همان). برخلاف جفری، رژی بلاشر می‌پندارد که عرب‌ها این واژه را از زبان عبری وام گرفته‌اند، نه از سریانی (آذرتاش آذرنوش، ۱۳۹۹ش). با این حال آذرتاش آذرنوش بعید نمی‌داند که این لفظ، از واژگان مشترک و کهن سامی برخاسته و بدون رابطه‌ای مستقیم با عبری و سریانی، در لهجه‌های کهن جزیره العرب -از جمله عربی- به کار رفته باشد (همان). هرچند توجه به اینکه اثری از مشتقات فعلی آیه به ویژه در قرآن دیده نمی‌شود، تا حدی تضعیف نظر وی را در پی خواهد داشت.

از معانی اصطلاحی آیه -که آن هم ریشه در معنای نشان و علامت دارد- عبارات و جملاتی از قرآن است که سؤر قرآنی از آنها تشکیل می‌شوند. در واقع هر آیه یک علامت است که مانند علائم طبیعی به خداوند یا بخشی از معارف اعتقادی، اصول اخلاقی و یا احکام عملی که منظور خداست دلالت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۵۸/۱۸ و ۱۵۹). از این پس هر جا منظور از لفظ آیه اجزاء تشکیل‌دهنده سوره‌های قرآنی است، به آن «آیه یا آیات اصطلاحی» می‌گوییم.

۴. «آیه/آیات» در بافت قرآن

بسیاری از کاربردهای «آیه/آیات» در قرآن کریم در قالب ساختارهایی مشخص دیده می‌شوند؛ به گونه‌ای که با در کنار هم قراردادن آنها می‌توان به نتایج قابل ملاحظه‌ای در زمینه معنانشناسی این کلمه دست یافت. اینک به سه ساختار اصلی آن می‌پردازیم.

ساختار اول تنها از دو بخش تشکیل یافته است و بخش اول شاکله این ساختار را می‌سازد.

جدول ۱- ساختار اول «آیه/آیات» در قرآن

آدرس	مکمل	رکن پایدار	ردیف
روم: ۲۵-۲۰ و ۴۶	أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ	۱	۱
	أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ	۲	۲
	خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ إِذَا فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ	۳	۳
	مَنَامِكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمِعُونَ	۴	۴
	يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْضِرُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ	۵	۵
	أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ	۶	۶
	أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ	۷	۷
فصلت: ۳۹ و ۳۷	اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ	۸	۸
	أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنْ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُخِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ	۹	۹
شوری: ۳۲ و ۲۹ و ۳۳	خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ	۱۰	۱۰
	الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ	۱۱	۱۱

در جدول فوق، رکن پایدار «و من آیاته» است که ۱۱ آیه را دربر می‌گیرد. محتوای پس از رکن پایدار در این ساختار را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد؛ الف) آنچه مربوط به انسان است (آیات انفسی)؛ خلقش از خاک (۱)، خلقت زوج انسان (۲)، اختلاف در زبان و رنگ انسانها (۳) و خواب (۴). ب) آنچه مربوط به مظاهر طبیعت است (آیات آفاقی)؛ آسمانها و زمین (۳، ۶، ۹، ۱۰)، شب و روز (۸)، خورشید و ماه (۸)، کشتی‌های دریا (۱۱)، بادها (۷)، ابرها (۵) و انتشار جنبندهگان (۱۰).

در آیات این ساختار چهار محور مورد تأکید قرار گرفته است: الف) خالقیت خداوند (۱، ۲، ۳ و ۱۰). ب) ربوبیت پروردگار (۲، ۴، ۷، ۹، ۱۰ و ۱۱). ج) عبودیت برای خداوند (۸) و د) پرداختن به احیاء و مسئله معاد و قیامت (۵، ۶، ۹ و ۱۰).

ساختار دوم دارای یک رکن پایدار (لعلهم/لعلکم) است که در تمامی آیات این ساختار به طور ثابت تکرار شده است. رکن متغیر به تناسب برخی آیات تغییر کرده است و هم‌نشینی که تکمیل‌کننده این ساختار و در ارتباطی معنادار با آن است.

جدول ۲- ساختار دوم «آیه/آیات» در قرآن

رکن متغیر	غیر رکن	رکن پایدار	هم‌نشین مکمل	دسته بندی هم‌نشین	آدرس
كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ لِلنَّاسِ اٰيٰتِهٖ / اٰيٰتِ	-----		يَتَّقُوْنَ	ایمان و عمل صالح	بقره: ۱۸۷
	كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَعْرِفُوْنَ		تَشْكُرُوْنَ	اندیشه	بقره: ۲۱۹ و ۲۶۶
			تُعْقِلُوْنَ	اندیشه	بقره: ۲۴۲ و نور: ۶۱
			يَهْتَدُوْنَ	ایمان و عمل صالح	آل عمران: ۱۰۳
كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَعْرِفُوْنَ	-----	لَعَلَّهُمْ / لَعَلَّكُمْ	تَشْكُرُوْنَ	ایمان و عمل صالح	مائده: ۸۹
	-----		يُرْجِعُوْنَ	ایمان و عمل صالح	بقره: ۱۷۴
لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّنْ اٰيٰتِنَا لِيُذَكِّرَ الْاِنْسَانَ اِنَّهٗٓ لِرَبِّهٖٓ لَكٰرِهٍ	-----		يَقْتُلُوْنَ	اندیشه	انعام: ۶۵
	-----		يُرْجِعُوْنَ	ایمان و عمل صالح	احقاف: ۲۷
يُرْجِعُوْنَ اِيْلٰى رَبِّهٖمْ مِّنْ اٰيَةٍ / يَرْجِعُوْنَ اِيْلٰى رَبِّهٖمْ مِّنْ اٰيَةٍ	إِلٰهِيْٓ اَكْبَرُ مِنْ اٰخِيَّتِهَا وَاٰخِذْنٰهُمْ بِالْعَذَابِ		يُرْجِعُوْنَ	ایمان و عمل صالح	زخرف: ۴۸
	-----		تُعْقِلُوْنَ	اندیشه	بقره: ۷۳
-----	ذٰلِكَ مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ		يَذْكُرُوْنَ	اندیشه	اعراف: ۲۶
	ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ		يَتَّفَكَّرُوْنَ	اندیشه	اعراف: ۱۷۶
	وَاَنْزَلْنَا فِيْهَا اٰيٰتٍ بَيِّنٰتٍ		تَذْكُرُوْنَ	اندیشه	نور: ۱

آنچه در این ساختار و ساختار بعد حائز اهمیت است، هم‌نشین‌هایی است که پیوسته در تعامل و تکمیل‌کننده ساختار و معنای آیه/آیات است. این هم‌نشین‌ها در ساختار دوم به دو بخش کلی تقسیم می‌شوند: الف) کلماتی در ارتباط با اندیشیدن؛ تفکر، تعقل، فقه و تذکر و ب) کلماتی مرتبط با مفهوم ایمان (به خدا و معاد) و عمل صالح؛ تقوا، هدایت، تشکر و رجوع. محتوای آیات در این ساختار به پنج دسته کلی تقسیم می‌شوند: الف) مواردی که در آن به توضیح احکام عملی چون؛ روزه، انفاق، خمر و میسر و قسم پرداخته است. ب) مواردی که در آن به نوع رفتار مسلمانان در قبال خانواده و اجتماع اشاره شده است. ج) آیاتی مربوط به معجزات الهی. د) توضیح برخی آیات قرآن به ویژه در زمینه باورها و ه) توضیح برخی آیات آفاقی و انفسی

ساختار سوم در محتوا به ساختار دوم شبیه است. جز آنکه دامنه هم‌نشین‌های تکمیل‌کننده وسیع‌تر شده است.

جدول ۳- ساختار سوم «آیه/آیات» در قرآن

غیر رکن	رکن پایدار	رکن متغیر	هم‌نشین مکمل	آدرس
۲۳ مورد ۲+ مورد الحاقی	لِقَوْمٍ	يُؤْمِنُونَ	انعام: ۹۹- نحل: ۷۹- نمل: ۸۶- عنکبوت: ۲۴- روم: ۳۷- زمر: ۵۲	
		يَعْقِلُونَ	بقره: ۱۶۴- رعد: ۴- نحل: ۱۲ و ۶۷- روم: ۲۴ + (عنکبوت: ۳۵)	
		يَسْمَعُونَ	یونس: ۶۷- نحل: ۶۵- روم: ۲۳	
		يَتَفَكَّرُونَ	رعد: ۳- نحل: ۱۳ و ۶۹- روم: ۲۱- زمر: ۴۲- جاثیه: ۱۳	
		يَذَكَّرُونَ	نحل: ۱۳	
		يَعْلَمُونَ	نمل: ۵۲ + (انعام: ۱۰۵)	
		يَنْفِقُونَ	یونس: ۶	
۱۵ مورد	إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّآيَاتٍ	كُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ	ابراهیم: ۵- لقمان: ۳۱- سبأ: ۱۹- شوری: ۳۳	
		أُولَى الْأَلْبَابِ	آل عمران: ۱۹۰	
		الْمُتَّوَسِّمِينَ	حجر: ۷۵	
		أُولَى النَّهْيِ	طه: ۵۴ و ۱۲۸	
		الْمُؤْمِنِينَ	جاثیه: ۳- حجر: ۷۷- عنکبوت: ۴۴	
		كُمُ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ	آل عمران: ۴۹- بقره: ۲۴۸	
		مَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ	هود: ۱۰۳	
۱۰ مورد		كُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ	سبأ: ۹	
		بدون رکن متغیر و هم‌نشین تکمیل‌کننده	مؤمنون: ۳۰- سجده: ۲۶- شعراء: ۱۹۰ و ۱۷۴، ۱۵۸، ۱۳۹، ۱۲۱، ۱۰۳، ۶۷، ۸	

در این ساختار نیز تقسیم‌بندی هم‌نشین‌ها مانند ساختار قبل است. تنها در هم‌نشین‌های مرتبط با اندیشیدن، کلمات: «علم»، «تذکر» و «سماع» در بخشی و: «عالم»، «اولی الالباب»، «اولی النهی» و «متوسمین» در بخش دیگر اضافه شده‌اند. در هم‌نشین‌های مرتبط با ایمان و عمل صالح نیز کلمات: «یؤمنون»، «صبار»، «عبد منیب» و «من خاف عذاب الآخرة» وجود دارند که در ساختار قبل دیده نمی‌شوند.

در میان ۵۰ آیه این ساختار، سه مورد به معجزات الهی مربوط است،^۹ ۸ آیه در مورد عذاب الهی است،^{۱۰} و ۳۹ آیه دیگر جملگی در توضیح آیات آفاقی و انفسی مثل؛ بارش باران، اختلاف شب و روز، جریان یافتن کشتی در دریا، مسخر شدن خورشید و ماه و ستارگان، کوه‌ها، ابرها، پرندگان و مانند آن هستند. قابل توجه اینکه جز یک آیه، تمامی آیات مربوط به این شکل از ساختار: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً/لآيات لقوم...» جزء دسته آخر؛ یعنی در توضیح آیات آفاقی و انفسی قرار دارند.

۵. معنانشناسی «آیه» در قرآن کریم بر پایه روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی

۱.۵ روابط هم‌نشینی

رابطه هم‌نشینی میان دو واژه، خود دارای اشکال گوناگون است که از یک منظر می‌توان به سه رابطه اشاره داشت:

الف) رابطه مکملی: این رابطه بر پایه روابط نحوی میان واژگان در یک ساختار نحوی مشترک برقرار می‌گردد. روابطی چون «فعل و فاعل»، «مبتدا و خبر» و «موصوف و صفت» از این دسته‌اند.

ب) رابطه اشتدادی: این رابطه، رابطه دو مفهومی است که علاوه بر داشتن مؤلفه معنایی مشترک، هم‌راستا و مقوم یکدیگرند.

ج) رابطه تقابلی (تضاد): در این رابطه، دو مفهوم، در تقابل هم‌اند و یکدیگر را نقض یا تضعیف می‌کنند. (سلمان‌نژاد، ۱۳۹۱، صص ۱۷ و ۱۸؛ همچنین رک: پاکتچی، ۱۳۹۱ و قاسم‌پور و سلمان‌نژاد، ۱۳۹۱، صص ۱۰۳-۱۲۴)

به جهت تعداد بالای «آیه/آیات» در قرآن کریم، می‌توان هم‌نشین‌های فراوانی برای آن یافت. با توجه به محدودیت موجود، جدول مربوط به برخی از هم‌نشین‌های پرکاربرد را ارائه می‌کنیم و در مابقی به ارائه گزارش اکتفا می‌کنیم.

جدول ۴- هم‌نشین‌ها و نوع رابطه آنها با آیه/آیات در قرآن

ردیف	متن آیه	تعداد آیات مشابه	هم‌نشین	رابطه
۱	تَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلِكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (قصص: ۴۵)	-	تتلو	مکملی (فعل و مفعول)
۲	وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ اللَّهِ (آل عمران: ۱۰۱)	۱۵	تُتْلَىٰ	مکملی (فعل و نائب‌فاعل)
۳	إِذَا تَلَّيْتُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا (انفال: ۲)	-	تَلَّيْتُمْ	"
۴	ذَلِكَ تَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ (آل عمران: ۵۸)	-	تتلوه	مکملی (حال از مفعول به)
۵	تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ (بقره: ۲۵۲)	۲	تتلوها	مکملی (مرجع مفعول به)
۶	يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ (بقره: ۱۲۹)	۵	یتلو	مکملی (فعل و مفعول)
۷	مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ (آل عمران: ۱۱۳)	۲	یتلون	"
۸	وَأَذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ (احزاب: ۳۴)	-	یتلى	مکملی (فعل و نائب‌فاعل)
۹	أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي (انعام: ۱۳۰)	۱	يقصون	مکملی (فعل و مفعول)
۱۰	تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (شعراء: ۲)	۸	الكتاب	مکملی (مضاف و مضاف‌اليه)
۱۱	كِتَابٌ فَضَّلْتُ آيَاتَهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (فصلت: ۳)	۴	کتاب	اشتدادی
۱۲	إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يَكْفُرُ بِهَا (نساء: ۱۴۰)	-	سمعتهم	مکملی (فعل و مفعول)
۱۳	وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا (انفال: ۳۱)	-	سمعنا	اشتدادی
۱۴	يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ (جاثیه: ۸)	-	يسمع	مکملی (فعل و مفعول)
۱۵	وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا وَكُنَّ مُشْكِرًا كَانُوا لَمْ يَسْمَعُهَا (لقمان: ۷)	-	يسمعوها	مکملی (مرجع مفعول به)
۱۶	إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمَعُونَ (يونس: ۶۷)	۳	يسمعون	اشتدادی
۱۷	رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ (طه: ۱۳۴)	۱	ارسلت/رسول	"
۱۸	وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ (هود: ۹۶)	۴	ارسلنا (سلطان مبين)	مکملی (جار و مجرور متعلق به فعل) و اشتدادی
۱۹	وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ... وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ (اسراء: ۵۹)	-	نرسل	مکملی (جار و مجرور متعلق به فعل)
۲۰	ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا (اعراف: ۱۰۳)	۱	بعثنا	مکملی (جار و مجرور، حال برای موسی)
۲۱	أَذْهَبَ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي (طه: ۴۲)	-	اذهب	مکملی (جار و مجرور، حال برای انت و اخوک)
۲۲	قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا (شعراء: ۱۵)	-	اذهبا	مکملی (جار و مجرور، حال برای «ا»)
۲۳	قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (بقره: ۱۱۸)	۳۶	لقوم	اشتدادی

تأملی در سبک زندگی ... (مهدی نوری افشان و حامد فتوت احمدی) ۱۷۷

در این جدول مجموعاً ۱۰۵ آیه وارد شده است: «تلاوت و قصص» ۳۴ آیه؛ «کتاب» ۱۴ آیه؛ «سمع» ۸ آیه؛ «ارسال و بعث و ذهاب» ۱۲ آیه و «لقوم» ۳۷ آیه. با بررسی این آیات تقسیم‌بندی زیر به دست می‌آید:

الف) تمام آیه/آیاتی که با تلاوت و قصص، کتاب و سمع هم‌نشین شده‌اند، در معنای «آیات قرآن» که تشکیل‌دهنده سور قرآنی هستند یا همان آیات اصطلاحی به کار رفته‌اند و رابطه هم‌نشینی اکثر آنها مکملی است.

ب) «آیات»ی که با ارسال و بعث و ذهاب هم‌نشین شده‌اند، در معنای «معجزات الهی» هستند که توسط انبیا برای هدایت مردم به کار گرفته شدند. رابطه هم‌نشینی اکثر این آیات نیز مکملی است.

ج) هم‌نشین شدن «لقوم» با آیه/آیات کمی عام‌تر است. با بررسی صورت گرفته روشن می‌شود که در ۲۲ مورد، آیه در مورد نشانه‌های به کار رفته در طبیعت و مربوط به آیات آفاقی است؛ در ۸ مورد به قوانین رفتاری انسان در خانواده و جامعه اشاره دارد؛ ۳ مورد آن به انسان و انسان‌شناسی مربوط است؛ ۳ آیه در مورد عذاب و قیامت است و تنها یک آیه آن آیه اصطلاحی است. این یعنی می‌توان گفت هر جا آیه/آیات با هم‌نشینی «لقوم» باشد، به آیات آفاقی و انفسی ارتباط دارد. در این دسته، رابطه هم‌نشینی تمام آیات اشتدادی است.

با توجه به معنای واژه آیه، طبیعی است که رابطه تقابلی در هم‌نشینی‌های آن دیده نشود. از طرفی برای لفظ آیه، هم‌نشینی‌های مهم دیگری نیز یافت می‌شود؛ مشتقات «ایمان و یقین» که در تأیید آیاتند با ۲۵ آیه، مشتقات «کفر، تکذیب، جحد و مانند آن» که در رد آیاتند با ۹۳ آیه، مشتقات «تفصیل» در توضیح آیات با ۱۵ آیه، مشتقات «انزال و تنزیل» با ۲۳ آیه، مشتقات «تبیین» با ۳۹ آیه و مشتقات «اتی و جاء» با ۳۳ آیه (در مجموع ۲۲۸ آیه).

تنوع و گستردگی موضوعات مطروحه در این آیات زیاد است، به گونه‌ای که نمی‌توان دسته‌بندی مشخصی برای هریک ارائه نمود. از همین رو این آیات در جدول فوق آورده نشد. هر چند آنجا که مشتقات «تبیین» هم‌نشینی آیه/آیات هستند، معمولاً محور، آیات اصطلاحی هستند، و مشتقات «اتی و جاء» غالباً محتوایی مربوط به معجزات الهی را دربر دارند، همان‌گونه که هم‌نشینی شدن مشتقات «انزال و تنزیل» با آیه/آیات، بیشتر در فضایی است که آیات اصطلاحی و یا معجزه مد نظر است.

۲.۵ روابط جانیشینی

مقصود از روابط جانیشینی، امکان جایگزینی یک واحد زبانی به جای واحد دیگر در زنجیره‌ای مشابه است (بی‌پرویش، ۱۳۷۴، ص ۳۱). برای آیه/آیات می‌توان پنج جانشین در آیات قرآن یافت؛

اول واژه «ذکر» با توجه به آیات دوم تا پنجم سوره شعراء: (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ... إِنَّ نَسْأَ تَنْزَلُ عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ * وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ). آیه و آیات در این سیاق به معنای آیات اصطلاحی‌اند و واژه ذکر در آیه ۵ جانشین آنها شده است. آیات دیگری نیز وجود دارند که در آنها واژه ذکر در همین معنا آمده است، از جمله آیه ۹ از سوره حجر: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ).^{۱۱}

دوم واژه «حق» با توجه به آیات ۴ و ۵ سوره انعام: (وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ * فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ). نکته اول این است که با توجه به عمومیت «آیه» در آیه ۴ (به جهت من زائد و نکره بودن لفظ آیه)، این لفظ تمام آیات؛ از جمله آیات اصطلاحی، معجزات الهی و یا آیات آفاقی و انفسی را شامل می‌شود. نکته بعد این است که «حق» در واقع محتوا و ماهیت آیات است. زیرا تمام آیات الهی (از هر نوع آن) خود، حق هستند یا همراه حق‌اند و از آن جداشدنی نیستند.^{۱۲}

سوم واژه «عبرت» با توجه به آیه ۱۳ سوره آل عمران: (قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئْتَيْنِ النَّتَقَاتِ فَمَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ).^{۱۳} واژه عبرت نیز در حقیقت یکی از نتایج توجه به آیات است. به این معنا که با مشاهده و بررسی آیات خداوند، باید از آنها عبرت گرفت.

چهارم دو واژه «بصائر و مبصرة»؛ بصائر با توجه به این آیه: (وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسْتَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا * قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا) (اسراء: ۱۰۱ و ۱۰۲). و آیه بعدی که در سوره اعراف است: (وَإِذَا لَمْ تَأْتِيهِمْ بآيَةٌ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) (اعراف: ۲۰۳). جانیشینی مبصرة هم در این آیه قابل مشاهده است: (وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأُولُونَ وَآتَيْنَا ثُمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا) (اسراء: ۵۹). جانیشینی در این آیات، همگی

در فضای معجزه‌بودن «آیات» است. باید دانست که مبصره (و به تبع آن بصائر) در اصل صفت یا حال آیه/آیات بوده است؛ زیرا تمامی آیات خداوند روشن و روشن‌گرند. از آنجایی که حذف موصوف و جانشینی صفت به جای آن در زبان عربی شایع است (همان‌گونه که ممکن است در مورد حال و ذوالحال این اتفاق بیفتد)، در اینجا نیز همین اتفاق افتاده است. شاهد مثال آن، این آیه است که در آن «آیات» و «مبصره» در کنار هم آمده‌اند: (فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ) (نمل: ۱۳). می‌توان گفت که در این آیه مبصره هم‌نشین «آیات» است و این هم‌نشین، در آیات دیگر جانشین آیه/آیات شده است.

پنجم «بینة/بینات» است که وضعیتی مشابه مورد قبل دارد؛ در ۲ آیه از قرآن کریم ترکیب وصفی «آیه بینة» مشاهده می‌شود،^{۱۴} ۱۵ بار «آیات/آیاتنا بینات» آمده^{۱۵} و ۳ مورد «آیات مبینات» وجود دارد.^{۱۶} بنابراین، این سه کلمه از هم‌نشین‌های آیه/آیات به حساب می‌آیند. بر این اساس، آیات خداوند بین و مبین یعنی واضح و آشکارکننده هستند. با این حال دو لفظ اول (بینة و بینات) در برخی آیات جانشین آیه/آیات شده‌اند. از جمله در این آیه: (وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ أَوْ لَمَّا تَأْتِيهِمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى) (طه: ۱۳۳).^{۱۷} همان‌گونه که در بخش هم‌نشین‌ها نیز بیان شد، این کلمات معمولاً در آیاتی با مضمون معجزات الهی به کار رفته‌اند.

در مورد واژه «آیه» در قرآن کریم شاید بتوان قائل به نوع دیگری از جانشین‌ها شد که آنرا «جانشین مفهومی» نامگذاری می‌کنیم. با این توضیح که در آیات بسیاری از قرآن کریم بدون اینکه لفظ «آیه» آمده باشد و یا کلمه خاصی جای آن را گرفته باشد، اشاره به مصادیق و مفاهیمی دارد که در جای دیگر با واژه آیه به آنها پرداخته بود. این مسئله به ویژه در مورد آیات آفاقی و انفسی و قوانین و سنتهای مربوط به آن صادق است. در این زمینه می‌توان به ساختارهایی در قرآن اشاره کرد که در همین فضا قابل تحلیلند؛ ساختارهای «اولم یروا...»، «اولم یسیروا فی الأرض...» و «هو الذی خلق...» از این جمله‌اند.

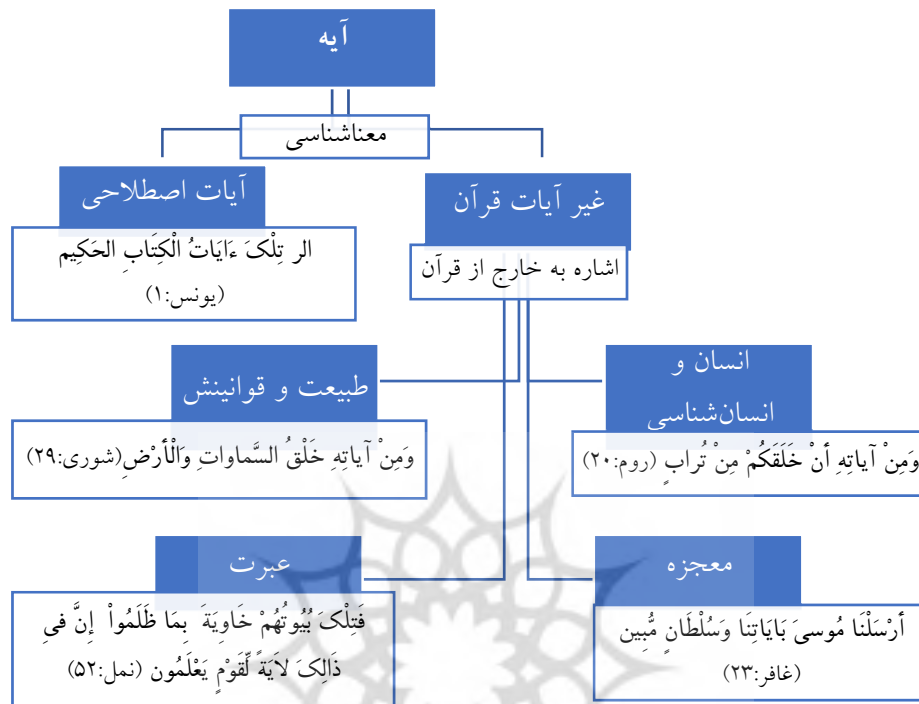
۳.۵ معنانشناسی «آیه» در قرآن

بسیاری از کاربردهای آیه/آیات در قالب ساختارهایی تکرارشونده در قرآن آمده‌اند. آنجا که رکن پایدار ساختار «و من آیاته» است، همه‌جا در بردارنده مفهومی در رابطه با انسان (همچون خلقت، خواب یا اختلاف در رنگ و زبان) و یا مظاهر طبیعت (همچون آسمانها و زمین و شب

و روز) است. همچنین است ساختاری که «إن فی ذلک لآیة/آیات» رکن پایدار آن است؛ در این ساختار نیز از میان ۵۰ آیه، ۳۹ آیه آن به آیات آفاقی و انفسی اشاره دارد، به ویژه هنگامی که در انتهای آن هم‌نشین «لقوم...» آمده باشد. هم‌نشین‌های این ساختار جملگی یا به اندیشیدن دلالت دارند، یا به باور و اعتقاد و یا به عملی از اعمال صالح. هم‌نشین‌های ساختاری که در آن ارکانی چون «کذلک یتبین الله لکم/للناس آیاته/آیات»، «کذلک نفضل الآیات»، «نصرف/صرفنا الآیات» و «نریهم من آیه/یریکم آیاته» در کنار رکن پایدار «لعلهم/لعلکم» آمده‌اند شباهتی تام با ساختار پیشین دارند، اما مفهوم آیه/آیات در این ساختار دارای تنوع بیشتری است؛ بدین صورت که علاوه بر آیات آفاقی و انفسی، مواردی چون توضیح برخی احکام، اشاره به رفتارهای خانوادگی و اجتماعی، معجزات الهی و آیات اصطلاحی قرآن را نیز در بر می‌گیرد.

جانشین‌های آیه/آیات نیز ۵ مورد هستند که یکی (ذکر) در مورد آیات اصطلاحی قرآن به کار رفته است و باقی یا در توضیح ماهیت و محتوای آیاتند و یا نتیجه توجه به آنها. به این ترتیب و با مطالعه بر روی بافت‌ها و سیاق‌های مرتبط با واژه آیه در قرآن و بررسی ساختارهای تکرارشونده دربرگیرنده این کلمه در مرحله اول، و با در نظر داشتن روابط هم‌نشینی و جانشینی این واژه با دیگر واژگان، در می‌یابیم که معنای پایه‌ای و کلیدی آیه در قرآن همانا «نشانه و علامت» است، هرچند در مقام مصداق می‌توان آن را به چند دسته تقسیم نمود:

گاه این نشانه در مورد آیات قرآن کریم (آیات اصطلاحی) به کار گرفته شده است (۲۸/۵٪)؛ زیرا هر آیه، نشانه و علامتی است که مانند یک تابلو، به سوی خداوند اشاره دارد و انسان را به سوی مسیر صحیح راهنمایی می‌کند. و گاه این نشانه به چیزی بیرون از قرآن اشاره می‌کند. حال ممکن است آن چیز همان معجزات الهی باشد (۱۹٪/۵) که غالباً توسط پیامبران در جهت اثبات حقانیت خود و هدایت عامه صورت می‌گرفت، یا مظاهر طبیعت و قوانین و سنتهای مربوط به آن (۳۸٪)، یا مسائل مرتبط با انسان و انسان‌شناسی (۵٪) و یا مواردی که باید مورد عبرت انسانها باشند (۹٪) که روشن‌ترینشان عذاب اقوام توسط خداوند و مسئله معاد و قیامت است.^{۱۸} هر کدام از این موارد نشانه و علامتی هستند که ما را اولاً به سوی یک باور توحیدی رهنمون هستند، و ثانیاً با استفاده از آنها می‌توانیم در مسیر هدایت و صراط مستقیم گام نهیم.



نمودار ۱- معناشناسی آیه در قرآن کریم

برخلاف تصور برخی^{۱۹} که تعدد معانی را با شکل مفرد آیه مرتبط دانسته‌اند و در حالت جمع، آن را تنها به معنای نشانه‌ها و گاه آیات قرآن می‌دانند، با بررسی تمام موارد و در نظر گرفتن بافت و روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی باید گفت که مفرد یا جمع بودن آیه تأثیر چندانی در معناشناسی آن ندارد. برای نمونه مواردی که در آن لفظ آیه در فضا و کاربرد معنای معجزه دیده می‌شود، هم به صورت مفرد آمده و هم به صورت جمع، آن هم به شکلی تقریباً برابر.

مسئله دیگری که در این رابطه وجود دارد، بسامد توزیع آیه/آیات در سوره‌های مکی و مدنی است. با در نظر گرفتن عدم اشتراک نظر در مورد سوره‌ها و آیات مکی و مدنی، آیه/آیات به طور تقریبی ۲۹۵ بار در سوره‌های مکی و ۸۷ بار در سوره‌های مدنی به کار رفته‌اند. تکرار بیشتر این کلمه در سوره مکی شاید به سبب لزوم توجه به نشانه‌ها برای بیداری وجدانهای خفته و کاشت بذر ایمان در قلوب بندگان بوده باشد (نجفیان، عامری و قیومی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۰). به

بیان دیگر در فضای سور مکی، تأکید بر توحید اعتقادی دیده می‌شود، همان‌گونه که توجه به رفتارهای خانوادگی و اجتماعی و بهره‌مندی از قوانین و سنتها در سور مدنی پررنگتر است.

۶. سبک زندگی توحیدی براساس معناشناسی «آیه»

روشن شد که واژه آیه در قرآن کریم، نشان و علامت معنا می‌دهد. به علاوه آیات قرآن که حاوی این واژه هستند، یا به چیزی در خود قرآن اشاره می‌کنند (آیه اصطلاحی)، و یا دلالت آنها به چیزی خارج از قرآن است. با درکنار هم قراردادن و دسته‌بندی نکات آیتی از قرآن که در آنها کلمه کانونی آیه/آیات وجود دارد و اشاره آنها به آیات اصطلاحی است، نموداری شش مرحله‌ای به دست می‌آید که پدیدآورنده سبک زندگی توحیدی است:

مرحله اول «مشاهده» است که با الفاظی چون «قرائت، تلاوت، ترتیل و سماع» همراه است.^{۲۰} در این مرحله باید با آیات قرآن مواجه شد و در محضر آن قرار گرفت: (فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ) (مزمّل: ۲۰)^{۲۱}

مرحله دوم «شناخت» است که با الفاظی چون «تفکر، تعقل، تدبر و فقه» به کار رفته است. در این مرحله باید آیات قرآن را درک کرد و با به‌کارگیری ابزارهایی چون عقل و قلب، در پی شناخت و فهم آن برآمد: (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ) (ص: ۲۹)^{۲۲}. این نکته در جدول‌های دوم و سوم این مقاله و در ساختارهای آیه/آیات در قرآن به روشنی قابل مشاهده است.

مرحله سوم «درگیر شدن احساسات و عواطف» است. در این مرحله انسان با مشاهده و شناخت آیات قرآن، دچار احساساتی همچون خشیت، خشوع، خضوع و خوف می‌شود، تا جایی که گاه در اثر آن به گریه یا سجده می‌افتد و یا دچار لرز در پوست و اندام می‌شود: (وَلْيَعْلَمْ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ) (حج: ۵۴). همچنین به این آیات بنگرید: (وَقُرْءَانَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ ... * ... إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا * ... * وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا) (اسراء: ۱۰۶-۱۰۹)^{۲۳}

مرحله چهارم «پذیرش و ایمان» است که به عنوان هم‌نشین آیه/آیات در جدول‌های ۳ و ۴ به آن پرداختیم. با درک محتوای آیات قرآن و درگیر شدن احساسات و عواطف، انسان به باوری عمیق در حق بودن قرآن و پذیرشی قلبی در توحیدی بودن عالم و اعتقاد به زندگی پس از مرگ و جزای در آن دست می‌یابد که نامش ایمان است. اهمیت ایمان تا جایی است که بدون آن،

تأملی در سبک زندگی ... (مهدی نوری افشان و حامد فتوت احمدی) ۱۸۳

یافتن سبک زندگی توحیدی و گام برداشتن در آن معنا ندارد. در این زمینه آیات قرآن فراوانند که از جمله آنها این آیه است: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) (انفال: ۲)

مرحله پنجم «تصدیق و اقرار» است. در این مرحله انسان پس از آنکه حق بودن آیات قرآن را پذیرفته و به آنها ایمان آورده است، باور قلبی خود را به زبان می‌آورد و به آن اقرار می‌کند و در معرض دیگران قرار می‌دهد. با این عمل اعتقادش به توحیدی بودن عالم را آشکار می‌سازد و خود را هم مسیر با صراط مستقیم و دین حق معرفی می‌کند: (وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَأَمَنَّا فَاكُنْ بِنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ * وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ) (مائده: ۸۳ و ۸۴)

مرحله ششم «عمل صالح» و تنظیم رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی است. در این مرحله است که سبک زندگی توحیدی در دو ساحت باور و عمل تحقق می‌یابد و ترکیب «ایمان و عمل صالح»ی که خداوند بارها در قرآن به آن تأکید کرده است، جامه عمل می‌پوشد. در این زمینه، آیاتی که تحت عنوان آیات الاحکام مشهورند و دیگر آیاتی که به قوانین و سنتهای خانواده و جامعه پرداخته‌اند با همین رویکرد قابل تحلیلند.^{۲۴}

نکته حائز اهمیت اینکه مراحل سوم به بعد لزوماً با همین ترتیب و چینش اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا هریک از این مراحل در دیگری اثرگذار است. گاهی یک عمل صالح (مرحله ۶) موجب تقویت ایمان (مرحله ۴) می‌شود، و گاهی به هیجان آمدن انسان و درگیر شدن احساساتش (مرحله ۳) ناشی از ایمانی (مرحله ۴) است که دارد. ای بسا پا را فراتر نهاده و بگوییم: گاهی ممکن است حتی انجام یک عمل (مرحله ۶) که تجربه‌ای را در پی خود دارد، به شناخت بیشتری (مرحله ۲) منجر شود و قس علی هذا.

پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۲- مراحل شش گانه رسیدن به سبک زندگی توحیدی

با طی شدن این مراحل و به وجود آمدن سبک زندگی توحیدی است که خداوند انسان را به راه حق و صراط مستقیم هدایت می کند. بلکه باید گفت: آن که موفق به مشاهده و شناخت آیات قرآن شود، احساساتش در این مسیر برانگیخته شود، به ایمان برسد و به آن اقرار کند و بر همین اساس عمل کند، در حال گام نهادن در صراط مستقیم است. فرجام این زندگی نیز رضوان الهی و در سرای دیگر جنت نعیم است: (وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ... الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لَلَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ) (حج: ۵۴ و ۵۶)

نقطه مقابل این سبک زندگی انحراف از هر یک از مراحل شش گانه فوق است؛ در مرحله اول «غفلت»^{۲۵} به جای مشاهده، در مرحله دوم «جهل، ظن، مریه و ریب»^{۲۶} به جای شناخت، در مرحله سوم «استکبار، کراهت و قساوت قلب»^{۲۷} به جای خشوع و تواضع، در مرحله چهارم «کفر و اعراض»^{۲۸} به جای ایمان، در مرحله پنجم «انکار و تکذیب»^{۲۹} به جای اقرار و تصدیق و در مرحله آخر «عمل غیر صالح»^{۳۰} به جای عمل صالح قرار دارد. این انحراف در نهایت منجر

به عدم راهیابی به صراط مستقیم یا خروج از آن خواهد شد که تحت عنوان «ضلالت»^{۳۱} از آن یاد شده است. از نگاه قرآن کریم، اگر انسان در هریک از این مراحل دچار انحراف شود، به همان میزان که منحرف شده است از مسیر هدایت دور خواهد شد. این نکته از باهم قرارگرفتن «ایمان و عمل صالح» و از تأکید و تکرار فراوان آن در قرآن کریم قابل فهم است. برای نمونه اگر کسی به آیات خداوند بی توجه باشد، دیگر شناخت و باوری در او شکل نمی‌گیرد و در اینصورت در مسیر هدایت نخواهد بود. یا کسی که در برابر آیات و نشانه‌ها سر تسلیم فرود نیاورد و نسبت به آنها خاضع و خاشع نباشد، از مسیر بندگی خارج می‌شود و نهایت این استکبار در کنار ابلیس قرارگرفتن است؛ زیرا (فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ).^{۳۲} به همین ترتیب هرچه از مشاهده انسان و شناخت او نسبت به آیات الهی کم شود، هرچه استکبار و تکذیب بیشتر شود و هرچه به اعمال صالح کمتر رو آورد از مسیر هدایت و صراط مستقیم دورتر و به گمراهی و ضلالت نزدیکتر می‌شود.



نمودار ۳- مقایسه دو سبک زندگی توحیدی و غیرتوحیدی

هرچند برای به‌دست‌آوردن این مراحل جهت‌دستیابی به سبک زندگی توحیدی از مجموع آیات استفاده شده است، اما چند سیاق در قرآن وجود دارد که تا حدی می‌توان این سیر را در آنها مشاهده کرد. برای مثال سیاق ۵۷-۷۴ سوره مؤمنون از این منظر قابل تأمل است؛ جایی که در چند رفت و برگشت، تقریباً تمام این مراحل دیده می‌شود. ابتدا صحبت از مؤمنان است؛ آنها که نسبت به پروردگارشان «خشیت» و ترس دارند: (إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ... وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ) (مؤمنون: ۵۷ و ۶۰) و به آیات خداوند «ایمان» می‌آورند: (وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ) (مؤمنون: ۵۸). همان‌ها که در کنار ایمان، به «عمل صالح» روی می‌آورند و در آن از دیگران سبقت می‌گیرند: (وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا ... أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ) (مؤمنون: ۶۰ و ۶۱). سپس نوبت به غیر مؤمنان می‌رسد؛

کسانی که در «غفلت» به سر می‌برند و آیات خداوند را نادیده می‌گیرند: (بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا) (مؤمنون: ۶۳) و در آنها اثری از «شناخت» صحیح وجود ندارد: (أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ ... أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ) (مؤمنون: ۶۸ و ۶۹). به جای خشوع و خشیت، در آنها «استکبار و کراحت» از حق وجود دارد: (مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ... بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ) (مؤمنون: ۶۷ و ۷۰). با این رویکرد، کارشان به «انکار و اعراض» می‌انجامد: (قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكِبُونَ ... فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ... بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُونَ) (مؤمنون: ۶۶، ۶۹ و ۷۱) و سرانجامشان به جای گام نهادن در صراط مستقیم، «انحراف» از آن است: (وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ) (مؤمنون: ۷۳ و ۷۴).^{۳۳}

۷. شباهت و تفاوت دو وجه کاربردی «آیه/آیات» در زندگی خدامحور

واژه آیه در قرآن کریم در بردارنده مفهومی اساسی است که با توجه به نوع نگاه ما می‌تواند کلمه‌ای کلیدی در حوزه‌های معنایی گوناگون باشد. در این مقاله «آیه»، به جهت شناخت زوایای سبک زندگی توحیدی مورد مطالعه معنانشناسی قرار گرفت و براساس آن به مراحل مختلفی اشاره شد. اما این مراحل تنها ناظر به یک وجه کاربردی از آیه/آیات در قرآن کریم یعنی آیات اصطلاحی بود. سؤال اینجاست که آیا نگاه ما در مورد وجه کاربردی دیگر نیز باید چنین باشد؟ و اساساً تفاوت کاربردهای آیه در قرآن کریم چیست؟

ایزوتسو در کتاب خدا و انسان در قرآن می‌نویسد:

اراده خدا برای گشودن راه ارتباط مستقیم میان خود او و نوع بشر، بنابر قرآن، به صورت تنزیل یا فروفرستادن آیات (جمع آیه)؛ «نشانه‌های الهی»، تجلی پیدا می‌کند. از این لحاظ اختلاف اساسی میان علامات و نشانه‌های زبانی و غیرزبانی وجود ندارد؛ هر دو متساویا آیات الهی هستند. وحی که شکل برجسته ارتباط زبانی میان خدا و انسان است، تنها جزئی از یک دسته نموده‌های کلی است که مجموع آنها در ذیل مفهوم وسیعتر ارتباط خدا-انسان واقع می‌شوند. به همین جهت است که قرآن عملاً کلمات وحی شده را «آیات» می‌نامد و میان آنها و آیات دیگر غیرزبانی تفاوتی قائل نمی‌شود (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۱۶۸).

حق آن است که با قرآنی مواجهیم که در لفظ تفاوتی میان آیات قرآن و آیات غیرقرآنی - اعم از آیات آفاقی و انفسی و معجزات - قائل نشده است و هرچه قرآن را بکاویم، در معنا نیز

میان‌شان اختلافی نمی‌یابیم. آری؛ آیات اصطلاحی قرآن تصویری، دقیق و مفهومی‌اند که به ذهن و عقل انسان القاء می‌شوند و نیاز به واسطه دارند، اما آیات دیگر جمعی، کلی، مبهم، غیرتحلیلی و غیرملفوظند که بی‌واسطه و مستقیم برای تمام نوع بشر آمده‌اند (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۱۷۱ و ۱۷۲). با این حال تمام آیات خداوند نشانه‌اند؛ نشانه‌هایی که توسط آنها هم نسبت به خدا شناخت و محبت بیشتری پیدا کنیم و هم با کمکشان حرکت در مسیر مستقیم بندگی را تجربه کنیم. خواه این آیات، کلام خداوند باشند، خواه مخلوقاتش. در آیه‌ای قرآن و آیاتش حق شمرده می‌شوند: (وَيَرَى الَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ) (سبأ: ۶) و در آیه‌ای دیگر مخلوقاتش: (خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ) (عنکبوت: ۲۴). و این هردو به زیبایی در آیات ابتدایی سوره زمر جمع شده‌اند: (إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ... خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ) (زمر: ۵).

این حقیقت بر زبان بسیاری از علمای دین جاری و در کتاب‌هایشان نگاشته شده است، با ذکر این نکته که توجه و تأکید اکثرشان معطوف به اعتقاد و ایمان بوده است و به سوی رفتار و عمل نرفته‌اند. هرکجا در قرآن صحبت از توجه به آیات آفاقی و انفسی است، منظور آن را دقت در مخلوقات برای باور به خالق عالم و قدرتمند دانسته‌اند.^{۳۴} در این برداشت، تنها ثمره نگریستن به آیات الهی نیل به ایمان یا افزایش آن است. آنچه مد نظر این مقاله است این است که تلاش کنیم این نگاه درست را توسعه داده، تکمیل کنیم و تنبّه به این موضوع دهیم که: به همان ترتیب که آیات قرآن مراحل شش‌گانه دست‌یابی به سبک زندگی توحیدی را ترسیم می‌کنند و در تحقق آن ضروری‌اند، آیات آفاقی و انفسی نیز همین کارکرد را دارند.^{۳۵}

ذکر این نکته ضروری است که توجه به نشانه‌ها در آفاق و انفس بالفطره در انسانها وجود دارد. از ابتدای تاریخ بشر، انسان هم نیاز داشته و هم کنجکاو بوده است که بدن خود را بیشتر بشناسد و در پی درمان بیماری‌هایش باشد، به طبیعت توجه کند تا بتواند بهتر و سالمتر زندگی کند و به تدریج هم به مسائل مربوط به انسان و انسان‌شناسی و هم به آنچه پیرامونش است علاقه بیشتری نشان داد. بنابراین توجه و شناخت آنچه در آسمان و زمین است و کشف قوانین جاری در آنها و بهره‌بردن از آن قوانین به نحو درست امری عقلانی است. مسئله این مقاله آن است که این امر عقلانی در قرآن کریم هم قابل اثبات و بلکه مورد تأکید است.

اینک به آیات غیر اصطلاحی می‌پردازیم که با توجه به آنها می‌توانیم یک زندگی توحیدمحور را پایه‌ریزی کنیم:

مرحله اول؛ مشاهده: همان‌گونه که در قرآن به خواندن و گوش دادن آیاتش امر شده است، به نگرستن و مشاهده نشانه‌های خلقت و آیات آفاقی و انفسی نیز تأکید شده است. مشاهده در این مرحله می‌تواند از طریق دیدن، شنیدن، سیر و سیاحت و تجربه کردن باشد. به این دو آیه بنگرید: (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ * قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ) (قصص: ۷۱ و ۷۲) ^{۳۶}

مرحله دوم؛ شناخت: امر به مشاهده مظاهر طبیعت و نشانه‌های خلقت مقدمه‌ای برای درک و فهم آنهاست، و آلاً نگاهی را که به شناخت منجر نشود چه سود؟ در آیات فراوانی به این مهم اشاره شده است، از جمله در دو آیه از سوره انعام؛ اولی در مورد آیات طبیعت و دومی در مورد انسان: (وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النَّجْمَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ) (انعام: ۹۷ و ۹۸) ^{۳۷}

مرحله سوم؛ احساس: درگیر شدن احساسات از جمله خضوع و خشوع که به نوعی حاصل ترکیب ترس و محبت هستند، منحصر در خواندن آیات قرآن نیست. از نگاه قرآن، موخدان واقعی با دیدن هرگونه نشانه‌ای که علم، قدرت و عظمت خداوند را به رخ بکشد منقلب می‌شوند؛ گاه به گریه می‌افتند و گاه به سجده، نه آنکه راه استکبار در پیش گیرند یا بی‌تفاوت از کنارشان عبور کنند: (إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ) (سجده: ۱۵) ^{۳۸}

مرحله چهارم؛ ایمان: این مرحله‌ایست که در آن مشاهده، شناخت و خضوع در برابر آیات هستی منجر به ایمان می‌شود و اگر نشد، یعنی در این روند خلل وارد شده است. در آیه ششم از سوره جاثیه می‌خوانیم: (تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ) (جاثیه: ۶). نظر علامه طباطبایی ذیل آیه و با توجه به سیاقی که آیه در آن واقع شده این است که منظور از آیات، آیات تکوینی باشد و نه آیات قرآن (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵۹/۱۸). همچنین در سوره نحل آمده است: (أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) (نحل: ۷۹)

مرحله پنجم؛ تصدیق و اقرار: پس از ایمان آوردن که امری درونی است، مؤمنان این اعتقاد قلبی خود را بر زبان جاری می‌کنند تا به خود و دیگران اعلام دارند که چگونه می‌اندیشند و

تأملی در سبک زندگی ... (مهدی نوری افشان و حامد فتوت احمدی) ۱۸۹

چه باوری دارند: (الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) (آل عمران: ۱۹۱)^{۳۹}

مرحله ششم؛ عمل صالح: آیات قرآن به برخی رفتارها و اعمال، اشاره مستقیم دارد و به آنها امر یا از آنها نهی کرده است. برای نمونه در قرآن کریم به صراحت به اقامه نماز، اطعام، انفاق، زکات، روزه و مانند آن امر شده است، همچنان که از دزدی، زنا، تفرقه افکنی، غیبت و مانند آن نهی شده است. اما همین قرآن در برخی آیات دیگر، ما را به فهم قوانین موجود در طبیعت فراخوانده است تا بتوانیم آنها را در زندگی اجرا کنیم. باید باور داشته باشیم که اگر به این فرامین عمل کنیم، سراغ کشف قوانین موجود در جهان هستی و نیز در خودمان برویم و براساس آن قوانین به نظام‌های رفتاری مشخصی برسیم و طبق آن نظام‌ها زندگی کنیم، مشغول انجام دادن عمل صالح با همان میزان قرآنی آن هستیم. به این آیه دقت کنید: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) (یونس: ۵). به همین ترتیب می‌توانید به آیاتی با کلیدواژه «سخر» و مشتقات آن (که در مجموع بیش از ۲۵ آیه هستند) در قرآن مراجعه کنید و ببینید که چگونه خداوند به دنبال ترغیب انسانها در کشف و به‌کارگیری قوانین مربوط به طبیعت و روابط انسانی در قالب علم، ایمان و عمل صالح است.^{۴۰}

تحصیل سبک زندگی توحیدی مستلزم قرار گرفتن و حرکت در صراط مستقیم است و بدین منظور باید آیات خداوند را مشاهده و درک کرد، ایمان آورد و عمل صالح انجام داد. اگر آیات خداوند همان آیات اصطلاحی در قرآن باشند، باید تا حد توان به قرائت و تدبر در آنها پردازیم و مفاهیم آن را به باور قلبی برسانیم و به مضامینش عمل کنیم. و اگر این آیات، آیات موجود در هستی، در انسان، در معجزات الهی و در روابط میان انسانها باشند، باید به بررسی دقیق آنها پردازیم، قوانین موجود در میان آنها را -که همه توسط خداوند حکیم و قادر قرار داده شده- کشف کنیم و علاوه بر اینکه افزایش آگاهی مان را در خدمت استحکام بیشتر ایمانمان به خداوند درمی‌آوریم، به بهترین وجه از آن قوانین و سنتهای الهی در رفتارها و وضع نظام‌های اقتصادی و اجتماعی و مانند آن بهره‌گیریم تا کیفیت زندگی مان را بهبود بخشیم و بدین وسیله از نعمت‌های خداوند به نیکویی قدردانی کنیم و با این کار به صراط مستقیم رهنمون شویم.

همان‌گونه که تدبر و پرداختن به آیات قرآن و حاصل آن یعنی علوم قرآنی، تفسیر و مثل آن، از آن جهت که پرداختن به کلام الهی است مقدس شمرده می‌شود؛ به همان ترتیب کشف قوانین موجود در طبیعت، پیدا کردن سنتها در جوامع و پی‌بردن به زوایای روابط انسانی و علوم حاصل از آنها، از آن جهت که پرداختن به فعل خداوند در این دنیا است، این نیز باید مقدس شمرده شود.^{۴۱} اگر عمل به احکام و دستورات خداوند در قرآن واجب و ترک آنها حرام است، رفتار براساس قوانینی که خداوند در زمین قرار داده (اعم از قوانین تجربی و انسانی) نیز باید واجب قلمداد شود. برخی از این قوانین چنان بدیهی‌اند که هیچ انسان بالغی از آن تعدی نمی‌کند؛ برای نمونه همه به قانون جاذبه احترام می‌گذارند و می‌دانند اگر بدون تمهیدی از یک ارتفاع زیاد به پایین بپرند، جان سالم به در نخواهند برد. اما باید هم برای به‌دست‌آوردن قوانین و ضوابط موجود در جهان تلاش کنیم، و هم به هراندازه که موفق شدیم، آنها را در زندگی به کار بریم. کفر به محتوای آیات قرآن، انحراف، ضلالت و غضب الهی را در پی خواهد داشت، بنابراین انکار یا کفر به قوانین موجود در هستی که پدیدآورنده و ضامن بقاء آنها خداوند است نیز نتیجه‌ای جز انحراف از مسیر صحیح زندگی توحیدی نخواهد داشت.^{۴۲} برای نمونه اگر قوانین مربوط به جاذبه و مقاومت مصالح - که خداوند وضع کرده و توسط انسانها کشف شده است - توسط سازندگان یک برج ساختمانی نادیده گرفته شود، و در سوی دیگر قوانین مربوط به روابط انسانی به واسطه رشوه و پارتی به فساد کشیده شود، حاصل کار چیزی جز فروریختن دیر یا زود آن برج به همراه فروریختن اعتماد عموم مردم به سازوکار اجرایی آن جامعه نخواهد بود. این می‌تواند به نوعی عذاب دنیوی حاصل از انکار و کفر به قوانین توحیدی عالم قلمداد شود که بی‌شک سبب عذاب اخروی نیز خواهد شد.

براساس یک نگاه درون‌دینی و برمبنای قرآن، زندگی خدامحور، یعنی بندگی بهتر، یعنی شکوفایی استعدادهای درونی‌مان براساس آموزه‌های خداوند که هم درونمان و در فطرتمان نهاده شده، هم در تمام هستی قابل مشاهده است و هم توسط پیامبران الهی در اختیارمان قرار داده شده است. این آموزه‌ها با دقت و پیگیری در نشانه‌ها و آیات خداوند قابل رؤیت و استفاده است. آیات و نشانه‌های خداوند همه‌جا قرار دارند و اغلب این نشانه‌ها به واسطه تجربه‌های انسانی نمود بیشتری پیدا می‌کنند؛ مثلاً انسان پس از مدتی آزمون و خطا درمی‌یابد که فلان گیاه برای نوعی از بیماری مفید است، یا از به‌زمین‌افتادن اشیا پی می‌برد که قانون جاذبه وجود دارد. به طور کلی باید گفت که هرگزاره قطعی علمی یک نشانه الهی است و این هم جهت عقلی دارد و هم حاصل فهم درست از آیات قرآن است؛ اگر ما درست مشاهده کنیم، در آن بیندیشیم

و قوانین پشت آن که توسط خداوند وضع شده است را کشف کنیم و به زوایای مختلف آن تسلط یابیم، و در نهایت مؤمنانه از آنها در جهت بالابردن کیفیت زندگی انسانی به کار بریم، در این صورت به بندگی بهتر نزدیک شده‌ایم و در صراط مستقیم قدم نهاده‌ایم. انسان خدامحور اگر گرسنه و تشنه است، به دنبال راهی است تا آنها را به درستی برطرف کند. براساس تجربه و آگاهی به کشاورزی، دامداری و ... می‌پردازد و اینچنین از نعمتهای خداوند بهره‌مند می‌شود. اگر به یک بیماری دچار شود، براساس همین آموزه‌ها می‌داند که باید به دنبال درمان باشد؛ درمانی که آن نیز توسط خداوند در این جهان قرار داده شده است؛ حالا یا در خواص موجود در برخی گیاهان، یا در انجام برخی حرکات ورزشی یا مواردی شبیه به این. پس هم به دنبال ارتقاء علم پزشکی برمی‌آید و هم همزمان می‌داند که هر دارویی که دردش را درمان است، معجزه‌ای از جانب خداوند است، و این همان ایمان و عمل صالح است. این طرز تفکر ابراهیم نبی (ع) و هر انسان خدامحور دیگر است: (الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ * وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ * وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ) (شعرا: ۷۸-۸۰)

این بدان معنا نیست که انسان خداناپاور به دنبال رفع گرسنگی و تشنگی نیست و به نجات خود و دیگران نمی‌اندیشد. این یعنی اگر مسلمانی به دنبال راه حل یک مسئله ظاهراً دنیوی هم باشد، از آنجاکه سرو کارش با آفریده‌های خداست، بنابراین نباید تصور کند که کاری غیرخدایی می‌کند. انسان نباید به هیچ وجه اینگونه امور را پست و غیرالهی ببیند. همین که به دنبال رفع گرسنگی و تشنگی و به دنبال دواي یک درد است، اگر متوجه باشد همین هم کاری دینی، الهی و یک عمل صالح است. انسان خدامحور عمل صالح‌اش را در نماز و روزه خلاصه نمی‌کند، بلکه به این امور هم به چشم اعمال دینی می‌نگرد.

رشید رضا ذیل این آیه: (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) (اعراف: ۳۲) معتقد است عبارت انتهای آیه (که پررنگ شده است) نشان‌دهنده آن است که مؤمنان باید به مقتضای ایمان و اسلامشان نسبت به علوم و فنون و تکنولوژی اعلم از کافران باشند تا به این وسیله شکرگزارتر باشند. بر این اساس تنها قومی که نسبت به سنتهای اجتماعی، طبائع و مصالح بشر و راههای رسیدن به یک تمدن شریف آگاهی و علم پیدا می‌کنند، مستحق بهره‌مندی از نعمتهای خداوند در دنیا هستند (رشیدرضا، ۱۹۹۰، ۳۴۹/۸ و ۳۵۰). این عبارات به این معنا هستند که تعریف مؤمن این نیست که تنها به مناسک عبادی بپردازد؛ حج برود، نماز شب بخواند و به جهاد برود. آن که مؤمن‌تر است، در مسائل به ظاهر دنیوی هم تلاش بیشتر

است و در این زمینه هم پیشروتر است. آن که مؤمن تر است، علاوه بر اینکه در اعتقاد و اخلاق در درجات عالی است، در فناوری و تکنولوژی، در طب و ریاضی، در محیط زیست و علوم فضایی، در روانشناسی و علوم اقتصادی هم گوی رقبت را از دیگران ربوده است. اگر قائل به مدینه فاضله‌ای برای مؤمنان شویم -مثلا پس از ظهور امام زمان (عج)- آن مدینه فاضله در تمام مسائل و ابعادی که در حیات انسان اثرگذارند در حد اعلی است، نه آنکه تنها در یک یا چند بُعد چنین باشد.

۸. نتیجه‌گیری

سبک زندگی توحیدی سبکی است که در آن باورها و اعمالی مبنی بر آموزه‌های قرآن منجر به راه‌یافتن و حرکت در صراط مستقیم شود. برای یافتن مؤلفه‌های این سبک از زندگی در قرآن کریم، کلیدواژه «آیه» از اهمیت بالایی برخوردار است. برپایه معنانشناسی آیه در قرآن و مطالعه ساختارهای تکرارشونده و روابط هم‌نشینی و جانشینی، معنای اصلی آیه در قرآن «نشانه و علامت» است که در قالب مصادیق مختلف به کار رفته است؛ الف) آیات اصطلاحی قرآن، ب) موارد دیگری چون معجزه و آیات آفاقی و انفسی. استعمال «آیه» در آیات مختلف قرآن مراحل شش‌گانه‌ای جهت هدایت و قرار گرفتن در صراط مستقیم و به‌دست‌آوردن سبکی از زندگی توحیدی را نمایان می‌سازد. مراحل که از مشاهده و شناخت آغاز می‌شود، با درگیر شدن احساس، پذیرش و ایمان و تصدیق ادامه می‌یابد و به رفتار و عمل ختم می‌شود. این ترجمه عبارت کلیدی «ایمان و عمل صالح» است که بارها در قرآن تکرار شده است. این مراحل تنها مختص توجه به آیات اصطلاحی و توجه به قرآن نیست، بلکه آیات آفاقی و انفسی هم به جهت کاربردشان و اشتراک لفظی شان با آیات اصطلاحی در قرآن همین‌گونه‌اند. خداوند در قرآن کریم به این دسته از آیات نیز توجه ویژه‌ای دارد و فراوان امر به مشاهده آنها و توجه به نشانه‌های فطری انسان و علامات موجود در طبیعت کرده است. چنانچه انسان این نشانه‌ها را دنبال کند، به قوانین و سنتهای نهفته در آنها پی می‌برد و با دستیابی به علوم تجربی و انسانی و استفاده صحیح از آنها -مانند بهره‌بردن از آیات قرآن- زندگی در صراط مستقیم را تجربه می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. یونس: ۲۵ و مؤمنون: ۷۳
۲. زخرف: ۶۴ و یس: ۶۱
۳. هود: ۵۶ و یس: ۴۳
۴. شوری: ۵۲ و ۵۳
۵. منظور این است که تمام آسمانها و زمین خط سیر یکسان و واحدی دارند که توسط خداوند معین گشته و همگی در آن به سوی هدف غایی شان جاری‌اند. در این زمینه آیاتی وجود دارد از جمله: (لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ) (آل عمران: ۸۳)
۶. نحل: ۹۷
۷. برای آشنایی بیشتر با تعاریف دیگر از معناشناسی رک: مختار عمر، ۱۳۸۵، ساغروانیان، ۱۳۶۹ و گیرتس، ۱۳۹۳
۸. علاوه بر تفاسیر گرانبهای فراوان که حاوی اطلاعاتی در این حوزه است، برای نمونه می‌توان به لغت‌نامه «مقایس اللغة» از ابن فارس، «اساس البلاغة» از زمخشری، «الخصائص» از ابن جنی و کتب علوم قرآنی مانند «الاتقان» از سیوطی و «البرهان فی علوم القرآن» از زرکشی اشاره داشت که همگی مطالب ارزشمندی در زمینه معناشناسی در اختیارمان قرار می‌دهند.
۹. آل عمران: ۴۹، ابراهیم: ۵ و عنکبوت: ۲۴
۱۰. هود: ۱۰۳، طه: ۱۲۸، شعراء: ۱۳۹ و ۱۵۸، نمل: ۵۲، عنکبوت: ۳۵، سجده: ۲۶ و سبأ: ۱۹
۱۱. همچنین رک: آل عمران: ۵۸، نحل: ۴۴، ص: ۱ و قلم: ۵۱
۱۲. برای نمونه رک: سبأ: ۶ و انعام: ۷۳
۱۳. همچنین رک: یوسف: ۱۱۱ و نور: ۴۴
۱۴. بقره: ۲۱۱ و عنکبوت: ۳۵
۱۵. بقره: ۹۹، آل عمران: ۹۷، یونس: ۱۵، اسراء: ۱۰۱، مریم: ۷۳، حج: ۱۶ و ۷۲، نور: ۱، قصص: ۳۶، عنکبوت: ۴۹، سبأ: ۴۳، جاثیه: ۲۵، احقاف: ۷، حدید: ۹ و مجادله: ۵
۱۶. نور: ۳۴ و ۴۶ و طلاق: ۱۱
۱۷. همچنین رک: انعام: ۱۵۷، اعراف: ۷۳ و ۸۵، روم: ۹ و جاثیه: ۱۷
۱۸. در این درصددگیری تمام آیات قرآن دربردارنده «آیه/آیات» احصا شدند، سپس هریک در این دسته بندی پنج گانه قرار گرفتند. نکته قابل ذکر این است که برخی آیات قابلیت قرارگرفتن در دو

دسته یا بیشتر را داشتند. در این موارد آن آیه در هر دو دسته به حساب آمد و سپس از نتیجه حاصل درصدگیری شد.

۱۹. رک: نجفیان، عامری و قیومی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳

۲۰. از هم‌نشین‌های پرکاربرد آیه/آیات مشتقات «تلاوت» است که در جدول ۴ قابل مشاهده است.

۲۱. همچنین رک: بقره: ۱۱۳، حج: ۷۲، فاطر: ۲۹ و مزمل: ۴

۲۲. همچنین رک: بقره: ۲۱۹، نساء: ۸۲، اعراف: ۱۷۶، نور: ۶۱ و محمد: ۲۴

۲۳. همچنین رک: آل عمران: ۱۹۹، مائده: ۸۳، انفال: ۲، زمر: ۲۳ و حشر: ۲۱

۲۴. برای نمونه احکام مربوط به ارث در نساء: ۷-۱۲ و ۱۷۶ و برخی قوانین در مورد خانواده و ازدواج و طلاق در سیاق بقره: ۲۲۲-۲۴۲ قابل مشاهده است.

۲۵. برای نمونه: اعراف: ۱۴۶

۲۶. برای نمونه: مؤمنون: ۶۳

۲۷. برای نمونه: مؤمنون: ۶۷ و ۷۰

۲۸. برای نمونه: مؤمنون: ۶۶

۲۹. برای نمونه: زمر: ۲۵

۳۰. برای نمونه: مؤمنون: ۶۳

۳۱. برای نمونه: زمر: ۲۲

۳۲. بقره: ۳۴

۳۳. برای مشاهده سیاق‌های دیگر رک: مائده: ۸۳-۸۶، حج: ۴۶-۷۴ و زمر: ۲۱-۲۸

۳۴. برای نمونه رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۵۰/۱ و ۴۵۱، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵۶۲/۱، زمخشری، ۱۴۰۷، ۲۱۱/۱، ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۲۳۴/۱، قرطبی، ۱۳۶۴، ۲۰۱/۲ و ایزوتسو، ۱۳۶۱، صص ۱۷۴-۱۷۹

۳۵. رویکرد آقای طالقانی در تفسیر خود به این نگاه نزدیک است (رک: طالقانی، ۱۳۶۲، ۳۴/۲)

۳۶. همچنین رک: یونس: ۶۷، حج: ۱۸، عنکبوت: ۱۹ و ۲۰ و روم: ۹

۳۷. همچنین رک: آل عمران: ۱۹۰، بقره: ۷۳، ۲۴۲ و ۲۶۶، انعام: ۶۵ و روم: ۸

۳۸. همچنین رک: بقره: ۴۵، نحل: ۴۹ و ۵۰ و انبیا: ۹۰

۳۹. همچنین رک: مؤمنون: ۶۹ و زمر: ۲۵

۴۰. برای نمونه می‌توان به این آیات اشاره کرد: ابراهیم: ۳۲، نحل: ۱۴، حج: ۳۶ و جاثیه: ۱۲

۴۱. با توجه به آیات قرآن کریم، می‌توانیم به دسته‌بندی دوگانه‌ای در مورد «علم» قائل شویم: علم ممدوح و علم مذموم. علم ممدوح علمی است که در مراحل کشف، شناخت و بهره‌مندی در جهت صراط مستقیم باشد: (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ) (فاطر: ۲۸)، و علم مذموم علمی است که در یکی از مراحل فوق دچار انحراف باشد: (فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ) (زمر: ۴۹). علم مقدسی که در مقاله بیان شده است، همان علم ممدوح است.

۴۲. رک: نحل: ۸۳

کتاب‌نامه

قرآن کریم

آذرتاش آذرنوش، (۱۳۹۹ش)، مدخل «آیه»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، به آدرس: cgie.org.ir/fa/article/258806

ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۸۸م)، *جمهرة اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین.

ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱ق)، *المحکم والمحیط الأعظم*، بیروت، دارالکتب العلمیة.

ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة.

ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الإسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ج ۳.

ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۶۱ش)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار. بی‌برویش، مانفرد، (۱۳۷۴ش)، *زبان‌شناسی جدید*، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران، آگاه.

پاکتچی، احمد، (۱۳۹۱ش)، *جزوه گنج‌واژه قرآن کریم*، ساختار معنایی براساس یک رابطه شبکه‌ای، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع).

پالمر، فرانک، (۱۳۷۴ش)، *نگاه تازه به معناشناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران، نشر مرکز.

جفری، آرتور، (۱۳۸۶ش)، *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، مشهد، انتشارات توس، ج ۲.

جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ق)، *الصحاح؛ تاج اللغة وصحاح العربیة*، بیروت، دار العلم للملایین.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.

- رشیدرضا، محمد، (۱۹۹۰م)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- رهنما، هادی، (۱۳۸۲ش)، معاشناسی نام‌های معاد در قرآن کریم، دانشگاه امام صادق (ع)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- روبینز، آر، اچ، (۱۳۷۰ش)، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران، نشر مرکز.
- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، چ ۳.
- ساغروانیان، جلیل، (۱۳۶۹ش)، فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی: موضوعی-توصیفی، ترجمه کورش صفوی، مشهد، انتشارات نشر نی.
- سلمان‌نژاد، مرتضی، (۱۳۹۱ش)، معاشناسی تدبیر در قرآن کریم با سه رویکرد ساختاری، ریشه‌شناسی و تاریخ‌نگاره، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما احمد پاکتچی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- صاحب، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتب.
- صفوی، کورش، (۱۳۷۹ش)، درآمدی بر معاشناسی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، انتشارات سوره مهر.
- (۱۳۸۶ش)، آشنایی با معاشناسی، تهران، پژوهشگاه کیوان.
- طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲ش)، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران، ناصرخسرو، چ ۳.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چ ۳.
- عبدالباقی، محمدفواد، (۱۳۶۴ق)، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قاهره، دارالکتب المصریة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- قائم‌نیا، علیرضا، (۱۳۹۹ش)، معاشناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قاسم‌پور، محسن و سلمان‌نژاد، مرتضی، (۱۳۹۱ش)، معاشناسی تدبیر در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جانشینی، صحیفه مبین، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۵۲، صص ۱۰۳-۱۲۴.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصرخسرو.
- گندمکار، راحله، (۱۳۹۶ش)، آشنایی با معاشناسی ساختنگرا، تهران، نشر علمی.

تأملی در سبک زندگی ... (مهدی نوری افشان و حامد فتوت احمدی) ۱۹۷

گیررتس، دیرک، (۱۳۹۳ش)، نظریه‌های معناشناسی واژگانی، ترجمه کورش صفوی، تهران، نشر علمی.
لسانی فشارکی، محمدعلی، اکبری‌راد، طیبه، (۱۳۸۶ش)، کاربرد روشهای معناشناسی در قرآن کریم، فصلنامه علمی پژوهشی صحیفه مبین، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۳۹، صص ۶۲-۷۷.
محمدی لایینی، محمدباقر و حسینی کارنامی، سیدحسین، (۱۳۹۳ش)، بررسی مؤلفه‌ها و امتیازات سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن و حدیث، ساری، الاهیات قرآنی، شماره ۲، صص ۹۱-۱۰۶.
مختار عمر، احمد، (۱۳۸۵ش)، معناشناسی، ترجمه حسین سیدی، مشهد، انتشارات فردوسی مشهد.
مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر.
مشکور، محمدجواد، (۱۳۵۷ش)، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
نجفیان، آرزو، عامری، حیات و قیومی، صدیقه، (۱۳۸۹ش)، نگاهی نشانه‌شناختی به واژه آیه در قرآن کریم، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۱۰، صص ۱۷۵-۲۰۳.

